



### تشویقهای عمومی

گفتیم تشویقهای عمومی در ایجاد فضای دلپذیر تربیتی نقشی بسزادارند. این گونه تشویقها در اصل «به مدرسه آمدن» و «انجام فعالیت‌های درسی و تربیتی» را تقویت می‌کنند. اگر آمدن به مدرسه و مشارکت در فعالیت‌های مدرسه‌ای را مایه عنوان فعالیت که احتیاج به تقویت ندارد، در نظر بگیریم، انگیزه دانش‌آموز را در این زمینه کاهش داده‌ایم. پس بهتر است با انجام تشویقهای عمومی او را دلگرمتر و شایسته‌تر به مدرسه بیاوریم. برای رسیدن به چنین مقصودی، می‌توانیم از تشویقهای عمومی که ذیلاً می‌آید استفاده کنیم:

#### ۱- دادن شیرینی و شکلات و امثال

اینها به تمامی دانش‌آموزان به مناسبت‌های گوناگون - اعیاد مذهبی و ملی از موارد بسیار مفضی هستند که می‌توان در آن ایام با دادن شیرینی و یا شکلات، هر چند کم و ناچیز، شادمانی فوق‌العاده‌ای را بر فضای مدرسه حاکم کرد. چنین فضایی حتی در روزهایی که بین دانش‌آموزان کتاب و یا لوازم التحریر که هیچ‌گونه جنبه تشویقی ندارد، توزیع می‌شود نیز بخوبی به چشم می‌خورد.

#### ۲- بردن تمامی دانش‌آموزان در

نوبتهای گوناگون به مراکز تفریحی - هر مدرسه‌ای که می‌تواند دانش‌آموزان خود را به مراکز تفریحی ببرد، بهتر است این کار را حتی المقدور در مورد تمامی دانش‌آموزانی که خود مایل به آمدن هستند، اجرا کند و هیچ‌یک از دانش‌آموزان را به دلتلی چون ضعف درسی، نامنظم بودن و امثال اینها مستثنی نکند.

#### ۳- تلاش در شناسایی تمامی

دانش‌آموزان توسط مدیر یا ناظم و مخاطب

# جامع‌نگری در تنبیه و تشویق

• در صورتی که مدیر یا ناظم و یا معلمان به هنگام ورود و خروج دانش‌آموزان مقابل در بایستند با خوشرویی از آنان استقبال و یا آنان را مشایعت کنند، در دلگرمی دانش‌آموزان به مدرسه تأثیری بسزا دارد.



علی اصغراحمدی

قرار دادن آنان - این عمل هر چند که در برخی از مدارس عملاً امکان پذیر نیست، لکن در صورتی که مدیر و ناظم سعی کنند دانش آموزان را به نام بشناسند و گاه آنان را به نام بخوانند، اثری تشویقی بر آنان خواهند داشت. در اینجا باید توجه داشت که نام بردن از دانش آموز توسط اولیای مدرسه فی نفسه تشویق به شمار می آید، از این رو بهتر است مدیر یا ناظم اگر دانش آموزی را به دلیل شرات شناخته اند، عمداً از خواندن او به نام اجتناب کنند و این تصور را در او و سایرین ایجاد نکنند که می توانند از طریق شلوغی و شرارت، تشویقی را به دست آورند.

۴- ایستادن در مقابل در مدرسه و استقبال و مشایعت خوشایند دانش آموزان - در صورتی که مدیر یا ناظم و یا معلمان به هنگام ورود و خروج دانش آموزان مقابل در بایستند با خوشرویی از آنان استقبال و یا آنان را مشایعت کنند، در دلگرمی دانش آموزان به مدرسه تأثیری بسزا دارد.

۵- نوشتن مطلبی هر چند مختصر، پای ورقه های دانش آموزان - دانش آموزان به هنگام امتحان و یا انجام تکالیف در کلاس، مایلند معلمشان مطلبی هر چند مختصر را پای ورقه آنان بنویسد. چنین کاری برای کودک نشانگر صمیمیتی است از جانب معلم و نشانگر توجه اختصاصی از طرف معلم به اوست.

۶- پرداختن به حضور و غیاب دانش آموزان بالحنی مثبتی بر استفسار، نه باحالتی مثبتی بر استنطاق، استيضاح و تفتیش - امروزه در بسیاری از مدارس ما دانش آموزی که غیبت کرده است، با لحنی خشن مورد استيضاح قرار می گیرد، در حالی که اگر بررسی غیبت دانش آموزان به شکل احوال جویی و پرسش از مشکلات دانش آموز درآید، مدرسه برای او حکم خانه ای را پیدا خواهد کرد که دانش آموز در آنجا احساس امنیت و احترام می کند. این نکته بالاخص در مقطع ابتدایی بسیار حایز اهمیت است.

تشویقهای عمومی انواع دیگری نیز دارد. دست اندرکاران مدرسه می توانند با ابتکار خود، آنها را به کار گیرند.

### تشویقهای فردی یا اختصاصی تشویقهای فردی:

تشویقی است که به منظور تأثیر بر فرد و تقویت فردی او ارائه می شود. این تشویقها می باید به گونه ای ارائه شوند که اثر نامطلوب بر سایرین نگذارند و وقتی می خواهیم آنها را در جمع به دانش آموزی



**\* تنبیه بدنی به معنای کتک زدن اساساً مردود است و باید بگویم این عمل تنبیه نیست بلکه تخلیه عصبانیت و کینه توزی تنبیه کننده است.**

ارائه کنیم، سعی کنیم شرایط را به گونه ای فراهم کنیم که خود، موجب تشویق سایرین شود، نه موجب دلنگی آنان. برخی از انواع تشویقهای فردی به قرار زیرند:

۱- دادن جایزه و هدیه - دادن جایزه و هدیه به روش معمول در اکثریت مدارس ما موجب بروز حسادت و ناراحتی دانش آموزانی می شود که خود موفق به دریافت آن نشده اند. پیشنهاد می شود در چنین موردی عکس روش موجود در مدارس عمل شود، یعنی به جای اینکه خانواده هدیه ای را تهیه و به مدرسه بیاورد، مدرسه به خانواده دانش آموز موفق توصیه کند که برای او جایزه ای بخرند و به دلیل موفقیتش به وی بدهند. این عمل تأثیر مثبت جایزه را بر روی فرد دارد و از تأثیر منفی آن بر سایر کودکان

جلوگیری می کند.

۲- دادن مسئولیتهای فردی - دادن مسئولیت به بعضی از دانش آموزان، می تواند تأثیر تشویقی داشته باشد. شرط اساسی در این کار وجود نظامی مشخص در روند مسئولیت دادن است. برخی از مدارس دانش آموز گوشه گیر و افسرده و یا دانش آموز پرخاشگر را بدون توجه به روند صحیح کار به مسئولیتهایی چون مبصر بودن می گمارند. چنین عملی در صورتی که در نظام فعالیتهاى مدرسه جایگاه مشخص داشته باشد مفید است و الا دانش آموزی را یک یا دو روز در کاری گماردن و بعد از چند روز او را به دست فراموشی سپردن، چندان تأثیر مثبتی ندارد. در مدرسی که طرح تربیتی بهداشتی اجرا می شود، گماردن دانش آموزان در مسئولیتهای پیش بینی شده در طرح و بازرسی مستمر از آنان می تواند تأثیری تشویقی و نظامدار داشته باشد.

۳- تشویق لفظی - شاید مهمترین و مؤثرترین تشویقها در نظام تعلیم و تربیت، تشویق گفتاری باشد. تحسین دانش آموز و تحریض او به انجام فعالیتهاى بیشتر می تواند تأثیری شگرف بر دانش آموز داشته باشد.

۴- دادن کارت تشویق - در مدرسی که دادن کارتهای تشویق مانند کارت صدآفرین، هزارآفرین و امثال اینها و یا نمودارهای تشویقی رایج است، بهتر است برای دادن هر کارت، فعالیتهاى معین در نظر گرفته شود و برای چنین کاری نظامی از اهداف آموزشی و تربیتی مد نظر قرار گیرد به گونه ای که هر کارت به مثابه پله ای باشد که وقتی دانش آموز از آن پله بالا رفت، خود را آماده کند تا پله بعدی را طی کند. در چنین حالتی کارت تشویق تعیین کننده موفقیت فرد در رسیدن به اهداف بالای آموزشی و تربیتی است. در غیر این صورت رفتارهای دانش آموز در یک مجموعه منسجم تقویت نخواهد شد، بلکه به شکل پراکنده درآمده و او را به هدفی معین نمی رساند.

تشویقهای فردی انواع دیگری نیز دارد

که می توان با توجه به شرایط کلی مدرسه و ارتباطی که هر عمل با تمامی فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مدرسه دارد به کار گرفته شود.

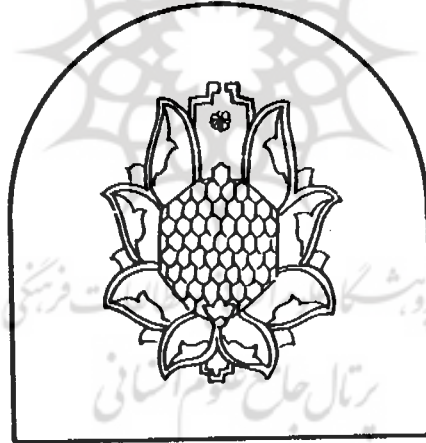
## تنبيه

تنبيه عامل يا عواملی است که موجب تضعيف يا از بين بردن رفتار نادرست فرد می شود. تنبيه نیز در یک دید جامع‌نگر مفهومی نظام‌دار دارد. به این معنی که عامل يا عوامل تنبیهی نمی‌تواند به تنهایی تأثیری تربیتی داشته باشد، بلکه می‌باید فضای آموزشی به گونه‌ای سازمان بیابد، که رفتار نادرست، در تمامی شرایط منع شود، برای مثال دانش‌آموزی در مدرسه راهنمایی، با شوخی کردن و بیان کردن عبارتهای خنده‌آور موجب خنده دانش‌آموزان دیگر می‌شود. اگر مدرسه لازم می‌بیند که چنین رفتاری را در کلاس منع کند، لازمه این عمل این است که تمامی معلمان برخوردی واحد با این رفتار داشته باشند. در صورتی که معلمی با این رفتار به شدت برخورد کند و معلمی دیگر خود نیز همراه سایر دانش‌آموزان از گفتار آن دانش‌آموز، لبخندی به لب بیاورد، نه تنها رفتار مورد نظر حذف نمی‌شود، بلکه برای دانش‌آموزان این امر تداعی می‌شود که نظامی واحد و هماهنگ بر مدرسه حکمفرما نیست و همین امر زمینه را برای عدم هماهنگی دانش‌آموز با برنامه‌های مدرسه‌ای فراهم می‌سازد.

بدین ترتیب باید بگوئیم تنبيه عاملی بازدارنده است که در نظام مدرسه جایگاهی مشخص و هماهنگ دارد. تنبيه نیز مانند تشويق مبتنی است بر نیازهای روانی انسان، بازداری از ارضای نیازها و یا تشدید آنها و وقتی دانش‌آموزی را از نشستن منع می‌کنیم و او را سر با نکه می‌داریم، براساس نیازهای فیزیولوژیک وی را تنبيه کرده‌ایم. وقتی او را از کلاس بیرون کرده و یا احیاناً او را تهدید به اخراج از مدرسه می‌کنیم، براساس نیاز به امنیت او

را تنبيه کرده‌ایم. وقتی با او قهر می‌کنیم براساس نیاز به تعلق داشتن و وقتی به او می‌گوئیم از او انتظار چنین کاری را نداشتم براساس نیاز به تحسین او را تنبيه می‌کنیم و بالاخره وقتی او را رجوع به خود می‌دهیم و می‌گوئیم آیا خودت را، انجام کارت را سرزنش نمی‌کنی؟ در حقیقت او را براساس نیاز به خودشکوفایی تنبيه کرده‌ایم.

در مورد تنبيه نیز توجه به سطح غالب در نیازهای یک دانش‌آموز اهمیت بسزایی برخوردار است و باید سعی کنیم از طریق تنبيه نیز دانش‌آموز را به سطوح عالی‌تر روانی سوق دهیم. چنانکه در مثالهای فوق مشاهده می‌شود، تنبه در سطوح بالاتر از ارزش انسانی و تربیتی بیشتری برخوردار است و به خصوص تنبيه در سطح خود شکوفایی می‌تواند هدف اصلی تربیت یعنی کنترل



درونی فرد را در پی داشته باشد. لکن این نکته نیز باید مد نظر باشد که اولاً دانش‌آموز در سطوح پایین کلاسی نیازهای سطح پایین‌تر را از خود نشان می‌دهد و ثانیاً برخی از دانش‌آموزان به لحاظ تربیت خانوادگی و محیط غالب اجتماعی در سطح خاصی از نیازها قرار می‌گیرند. که یکی از وجوه تفاوت‌های فردی در بین دانش‌آموزان همین جنبه از نیازهاست برای چنین دانش‌آموزانی به کار بردن تنبیهی که در سطح نیازهای

غالب او قرار گرفته و نیز به کار بردن تنبیهی مربوط به یک سطح بالاتر می‌تواند کارایی داشته باشد. منتهی چنین تنبیهی می‌باید تأثیر تکاملی بر دانش‌آموز داشته باشد.

## انگیزه‌های نامطلوب در تنبيه

انگیزه اصلی در تنبيه متوجه دانش‌آموز است و آن هدایت و تربیت اوست. علی‌رغم روشن بودن این اصل، انگیزه‌های نادرست و گاه مخربی باعث منحرف کردن تنبيه از مسیر اصلی خود می‌شود. انگیزه‌هایی که باعث تنبيه می‌شوند، لکن به هدف تربیت دانش‌آموز منجر نمی‌شوند، انگیزه‌هایی هستند که از هوای نفس معلم و مربی سرچشمه می‌گیرند و می‌باید شدیداً از آنها اجتناب شود. این انگیزه‌ها به قرار زیرند.

۱- تنبيه به دلیل عصبانیت - هنگامی که مربی و معلم به دلیلی عصبانی می‌شود تنبيه او تنها جنبه تخلیه هیجانی خود را دارد و به هدف تربیت انجام نمی‌گیرد و در اغلب موارد تأثیر منفی نیز در بر دارد.

۲- تنبيه ناشی از کینه‌توزی - کینه‌توزی متوجه سابقه‌ای نامطلوب از دانش‌آموز است که می‌تواند منجر به تنبيه شود. این عامل متأسفانه یکی از عوامل رایج در تنبيه است و علت رواج آن نیز عملکرد مخفیانه آن است. ما شاید به ندرت به کسی برخورد کنیم که به صراحت به دلیل داشتن سابقه‌ای معین از یک دانش‌آموز دست به تنبيه او بزنند، لکن نقش مخفیانه این عامل به کرات باعث اعمال تنبيه می‌شود.

اولین روزی که یک معلم وارد یک کلاس می‌شود، وقتی به چهره دانش‌آموزان نگاه می‌کند، می‌تواند بدون داشتن سابقه‌ای از آنان، میزان دوست داشتن یا متنفر بودن خود را از هر یک از دانش‌آموزان معین کند یعنی در نظر او تمامی دانش‌آموزان از لحاظ عاطفی برای او علی‌السویه نیستند. بلکه عده‌ای دوست داشتنی و عده‌ای تنفرانگیز هستند. چنین تقییکی شاید به ندرت توسط یک معلم انجام نگردد.

با توجه به این ویژگی باید از خود پرسم که: معلم که سابقه مشخصی از دانش آموزان آن کلاس ندارد، پس این طبقه بندی ناشی از چیست؟ در پاسخ به طور اجمال باید بگوییم ناشی از خصوصیات معلم وعوامل ناخودآگاهی است که شناخت معلم را تحت تاثیر خود قرار می دهند و بر همین اساس دانش آموزان را طبقه بندی می کند. همین انفکاک اولیه نشان این است که معلم با پیشداوری با دانش آموزان روبرو می شود و همین پیشداوری نقش موثری بر تنبیه و تشویق دانش آموزان دارد. یعنی معمولاً ما گرایش داریم کسانی را که دوست نداریم تنبیه و کسانی را که دوست داریم مورد تشویق قرار دهیم. واجتناب از این امر در تنبیه و تشویق بسیار ضروری است، و می باید در این موارد عمل دانش آموز ملاک باشد نه سابقه ذهنی ما که گاه برای خودمان نیز ناخودآگاه است.

۳- نشان دادن سلطه خویش به دانش آموزان- برخی از معلمان برای ایجاد سلطه بر کلاس بجای استفاده از شیوه های درست معلمی و ایجاد نظام انسانی در کلاس از تنبیه استفاده می کنند و به اصطلاح می خواهند گربه را دم حجله بکشند. چنین معلمانی بر این باورند که روز اول که به کلاس رفتند یک یا چند نفر را به بهانه های مختلف به باد کتک بگیرند تا دیگران حساب کار را بکنند. چنین انگیزه ای عمدتاً ناشی از ضعف یک معلم است، زیرا معلمان با تجربه وقوی حتی اگر در جلسات اول با رفتارهای نابهنجار دانش آموزان در کلاس روبرو شوند، به راحتی توازن خود را از دست نمی دهند، زیرا می دانند چند جلسه ای طول نمی کشد تا کلاس نظام خود را به دست می آورد و سلطه او بر کلاس مسلم می شود.

۴- تنبیه برای حفظ یا کسب مقبولیت اجتماعی- یکی از رایج ترین این نوع تنبیهات زمانی به کار گرفته می شود که معلم

شاخص قبولی کلاس را در خطر می بیند، او در این موقع برای اینکه دانش آموزان درس بخوانند وحیثیت شغلی واجتماعی او را از طریق درس نخواندن خدشه دار نکنند، اقدام به تنبیه می کند. چنین عملی نیز در صورتی که برای حفظ موقعیت خود انجام گیرد، نه به مصلحت دانش آموز، بلکه مضرت و تاثیر منفی بر جای می گذارد.

### شیوه های تنبیه

بین معلمان ما در مورد تنبیه نوعی خلط معنی لغوی و معنای اصطلاحی به وجود آمده است. تنبیه در معنای لغوی به معنی



\* تنبیه عامل یا عواملی است که موجب تضعیف یا از بین بردن رفتار نادرست فرد می شود.

آگاه کردن است، درحالی که در معنای اصطلاحی هر عاملی که باعث تضعیف و یا تحدید یک رفتار نامطلوب شود، خواه تنبیه شونده به آن آگاه شود و خواه آگاه نشود. برای مثال جامعه روزانه مکرراً انسان را در معرض تشویق و تنبیه قرار می دهد، تا افراد درون خود را با ضوابط و شرایط حاکم تطابق دهند. مادر جریان چنین تنبیه هایی دست کم آموخته ایم چگونه لباس بپوشیم، چگونه سخن بگوییم، چگونه با دیگران معاشرت و به چه طریق از خیابان عبور کنیم، طبق چه ضوابطی در صف اتوبوس و تاکسی بایستیم و نظایر آن و در حالی که به بسیاری از این تنبیهات آگاهی پیدا نکرده ایم و حتی به رفتاری که در نتیجه آن تنبیه نیز عمل می کنیم، ممکن است آگاهی نداشته باشیم.

با این مقدمه باید بگوییم که تنبیه

ضرورتاً به آن عاملی که هشیارانه فرد با آن مواجه می شود و یا اینکه او را نسبت به اعمالش هشیار می کند، اطلاق نمی شود. و ضرورتی ندارد تنبیهات ما حتی به گونه ای اعمال شود که فرد بفهمد و بداند که او را تنبیه می کنیم، بلکه اگر محیط را به گونه ای کنترل کنیم که مجرای برای خلاف وجود نداشته باشد، به خودی خود رفتارهای نادرست با تنبیه روبرو می شود. کودک در محیط مدرسه از طرفی چون نقش پذیری، همانندسازی، تقلید و سایر انواع یادگیری با محیط انطباق پیدامی کند و در بسیاری از موارد ضوابط را به طور ناخودآگاه درون سازی می کند. بنابر این در صورتی که ما بتوانیم رفتار خود را و رفتاری مابین خود را اصلاح کنیم، بدون شک احتیاج به تنبیه هایی که حتماً می باید به رخ دانش آموز کشیده شود، نداریم. با این توصیف می توانیم انواع تنبیه رایج در مدارس را به قرار زیر مورد بحث قرار دهیم:

۱- سرزنش کردن - این نوع تنبیه اولاً می باید با توجه به سلسله نیازهای کودک که در مباحث پیش به آن پرداختیم، صورت پذیرد. ثانیاً می باید بیشتر رنگ و بوی نصیحت کردن داشته باشد نه رنگ تحقیر و انتقام. ثالثاً سعی شود در جمع، سرزنش صورت نگیرد و به خصوص زمانی که دانش آموز برای پاسخ درس به مقابل کلاس آمده است. رابعاً وقتی می خواهیم فردی را به گونه ای سرزنش کنیم که دیگران نیز متوجه اعمال خود باشند، بهتر است مخاطبی مفروض داشته باشیم و از مخاطب قرار دادن فردی خاص، اجتناب کنیم.

۲- تنبیه بدنی - تنبیه بدنی به معنای کتک زدن اساساً مردود است و باید بگوییم این عمل تنبیه نیست بلکه تخلیه عصبانیت و کینه توزی تنبیه کننده است. کسی که دانش آموزی را کتک می زند به هیچ روجه مصلحت دانش آموز نمی اندیشد، بلکه می خواهد خود را آرام کند.

ثالثی رفم این مسئله، تنبیه بدنی به طور

- مسابقات هشتگانه را که همه ساله برگزار می شود، چگونه ارزیابی می کنید؟
- برادر ساجدی: مسابقات هشتگانه فرصت مناسبی است که می توان از آن در جهت جذب دانش آموزان مختلف استفاده نمود، مشروط بر اینکه کارشناسان و مسئولین واحدها در استان از افراد علاقه مند و آشنا به رشته مربوطه انتخاب شوند و مسئولین واحدها نیز در مناطق، افرادی کارداران و خبیره باشند، چرا که مسئولیت برگزاری و اجرای مسابقات با آنان است. البته اشکال کار در تغییراتی است که همواره در موضوع مسابقات اعمال می شود و مشکلاتی را در جهت اجرای احسن مسابقات موجب می شود. شایان ذکر است که مسئولین نیز می توانند با صدور بخشنامه، بودجه ای را برای اجرای مسابقات مقرر نمایند تا تهیه جوایز مسابقات میسر گردد.
- نسبت به کدامیک از وظایفی که برعهده مربیان نهاده شده، بیشتر علاقه مند هستید؟
- برادر سیستانی زاده: این مسئله به روحیات افراد بستگی دارد. بنده تقریباً به همه وظایف محوله علاقه مند هستم ولی به بررسی و حل مشکلات تربیتی نوجوانان بیشتر می پردازم. مایلم مسائلی از قبیل پرخاشگری، افسردگی، انحرافات اخلاقی و... دانش آموزان را بررسی و مرتفع نمایم. هر رفتار نابهنجاری علتی خاص دارد و هیچ رفتاری بدون علت نیست. البته در این امر انسانی و اسلامی همواره با اساتید و صاحب نظران مسائل تربیتی مشورت می نمایم.
- تربیت: از همه برادرانی که در این جلسه شرکت نموده اند، تشکر می نمایم. امید است با تداوم این جلسات از نظرات و پیشنهادات مربیان عزیز دیگر نقاط کشورمان نهایت استفاده را بنمایم.

مطلق در تعلیم و تربیت مردود نیست، بلکه استفاده از شیوه هایی که ناراحتی بدنی برای دانش آموز ایجاد کند، بدون اینکه آسیبی به او برسد، می تواند به طور محدود مورد استفاده قرار گیرد. مثلاً وادار کردن دانش آموز برای ایستادن به مدتی معین و غیره. این شیوه تنبیه بدنی به شمار می آید، لکن از یک سو برای مصلحت دانش آموز اعمال می شود، ثانیاً آسیبی را متوجه او نمی سازد.

۳- تنبیه با تکالیف درسی - این شیوه از تنبیه نیز اساساً مردود است، زیرا وقتی ما با ارائه تکالیف درسی قصد تنبیه دانش آموز را داریم، تدریجاً به او فهمانده ایم که درس خواندن یعنی تنبیه شدن. منتهی وقتی به یک نفر می گوئیم یک مشق بنویسد، مانند این است که به او یک چوب زده ایم و وقتی به کسی می گوئیم سه مشق بنویسد، او را سه چوب زده ایم.

البته باید برای دانش آموزانی که از برخی جهات دچار ضعف هستند، تمرین بیشتری قائل شویم، لکن هرگز این عمل را به صورت تنبیه انجام ندهیم.

۴- تهدید به اخراج و یا انجام مقدمات صوری برای آن - تهدید به اخراج موجب دلسردی دانش آموز از محیط درس و مدرسه می شود. وقتی او را تهدید به این کار می کنیم، در واقع او را از جمع خود طرد کرده ایم. بنابراین به کاربردن این شیوه همیشه و برای همه سازنده نیست، بلکه جنبه تخریبی و دلسردکنندگی نیز دارد. منتهی به نظر می رسد برای دانش آموزانی که نیاز به تعلق داشتن در آنها غلبه دارد، به هنگام انجام رفتارهای غیرمنطبق با ضوابط مدرسه چنین تهدیدی برای یک یا دو بار مفید باشد و بیش از آن از سودمندی برخوردار نخواهد بود.

آن، دادن آگاهی به کسانی است که می خواهند هدایت شوند و این آگاهی در مورد هدفها و مقاصدی است که باید بدان رسید و رسیدن به هدفها و مقاصد فوق نیازمند تقییب هدفهاست به این صورت که باید از میان هدفها، هدفهایی را انتخاب کرد که مطلوبتر و مفیدتر باشند. برای رسیدن به چنین هدفهایی نیاز است که هدفهای فوق را به شکل هدفهای تربیتی شناسایی کرد و نهایتاً فعالیتهایی را برای رسیدن به آن هدفها مشخص نمود. وقتی پای فعالیت برای مشخص کردن هدفها به میان می آید در حقیقت پای تعلیم و تربیت رسمی به میان آمده است، به عنوان مثال گرچه جنبه هایی وجود دارد که بتوان گفت که آن جنبه ها به طور طبیعی و بدون تعلیم و تربیت رسمی در افراد رشد می یابد، مثل تکلم و راه رفتن و غیره، اما در بسیاری از موارد چنین نیست و نیاز به تعلیم و تربیت رسمی است. به عنوان مثال وجود کودکانی که مسایل و مشکلاتی دارند همچون اختلالات در گفتار و رفتار، ناتوانی در شنیدن، عقب ماندگیهای ذهنی و غیره نیاز به تعلیم و تربیت رسمی را ضروری جلوه می دهد اما این به معنی انکار نقش تربیتی تعلیم و تربیت غیررسمی نیست. امروزه با اهمیت ترین سیستم تربیتی غیررسمی می تواند خود خانواده باشد چرا که آنچه که کودک در درجه اول با آن روبروست ارتباط او با والدین و با دیگر بچه هاست. علت تأکید ما روی ضرورت تعلیم و تربیت رسمی بخاطر نفی تأثیر تعلیم و تربیت غیررسمی نیست بلکه جهت پاسخ دهی به کسانی است که می خواهند تعلیم و تربیت رسمی را کم اهمیت جلوه دهند و بیان تأثیرات مستقل هر کدام از دو جریان فوق است.